پوهنتون پولی تخنیک کابل
مجله علم و تکنالوژی
جلد ۵۱ - شماره ۲
سنبله- سال ۱۴۰۲ - هـ.ش.
تاریخ دریافت اثر: ۱۴۰۲/۵/۱۴
تاریخ قبـولی اثر: ۱۴۰۲/۶/ ۱
P-ISSN: 2305 - 896X
KPU-JST

بسم الله الرحمن الرحیم

بررسی حقوق و مکلفیت‌های متقابل استاد و شاگرد از منظر اسلام

پوهندوی عبدالحلیم حکیمی
استاد دیپارتمنت ثقافت اسلامی پوهنتون پولی‌تخنیک کابل، ناحیه ۵، کابل، افغانستان
ایمیل ادرس-halim.hakimi52@gmail.com ۰۷۷۴۰۵۷۲۰۴ – ۰۷۴۴۹۴۹۸۱۰

خلاصه

در فرهنگ آموزشی اسلام برای استاد و شاگرد آداب و وظایفی است که یک تعداد آن نسبت به خود استاد، یک تعداد آداب و وظایفی نسبت به شاگرد و یک سلسله آداب و وظایفی نسبت به جلسه درس آمده است، هم‌چنان در مورد شاگرد یک سلسله آداب و مکلفیت‌ها مربوط به خودش یک سلسله آداب و مکلفیت‌ها نسبت به استادش و یک سلسله آداب و مکلفیت‌ها نسبت به جلسه درس وجود دارد، که دراین تحقیق به شماری از آن‌ها در پرتو آیات، احادیث، اقوال صحابه و نظریات دانشمندان اشاره می‌شود. این موضوع از آن‌جایی حایز اهمیت می‌باشد که در محیط های علمی و اکادمیک، رابطه بین دو عنصر اساسی آموزش و پرورش یعنی استاد و محصل در کیفیت و بلند رفتن سطح علمی محصلان تاثیر فوق العاده زیادی دارد. تحقیق هذا به‌منظور تبیین حقوق و مکلفیت‌های هر یک از دو عنصر مهم یعنی استاد و شاگرد از منظر دین مبین اسلام و در روشنایی آموزه‌های دینی با این نتیجه که رابطه استاد و شاگرد مانند رابطه پدر و فرزند بوده وحتی حقوق استاد نسبت به حقوق پدر نیز بلندتراست، زیرا پدر مربی جسم فرزند است، اما استاد مربی روح و روان وی می‌باشد. این تحقیق با روش کتابخانه‌ای تحلیلی – توصیفی صورت گرفته که با یک سلسله پیشنهادات و فهرست مراجع به پایان رسیده است.

اصطلاحات کلیدی: آداب، استاد، جلسه درسی، حقوق، شاگرد، مکلفیت و وظایف.

* مولف مسئول

۱.مقدمه

الحمدلله رب العلمین والصلوۀ والسلام علی سید الانبیاء والمرسلین محمد و علی آله واصحابه الطیبین و الطاهرین الذین قاموا بتبلیغ دینه و نشر دعوته و علی من تبعهم واهتدی بهدیهم واستن بسنتهم الی یوم‌الدین.

استاد و شاگرد دو رکن بنیادین پروسه آموزش به شمار می‌روند. در واقع این پروسه نتیجه ارتباط استاد با شاگرد است. نوع ارتباط میان استاد و شاگرد از این‌رو اهمیت دارد، که می‌توان آن را رمز موفقیت یا شکست پروسه آموزش دانست. از سوی‌دیگر ویژگی‌های شخصیت استاد بر شاگرد تأثیری ژرف به جا می‌نهد و شاگرد آیینه‌ای است، که شخصیت استاد را در خود نشان می‌دهد[۳] .

أَبُو الْأَسود الدؤلی رحمه‌الله گفته است:

هیچ‌چیزی با عزت‌تر از علم نیست، زیرا که پادشاهان بالای مردم حاکمیت می‌کنند، اما علماء بالای پادشاهان حاکم‌اند. [۷]

در فتاوای هندی آمده است حق عالم بالای جاهل و حق استاد بالای شاگرد یکسان است و آن این است: قبل از استاد سخن را آغاز نه‌نماید، در جای استاد در حالت غیاب نه‌نشیند، سخنش را ردنکند، درراه رفتن از استاد سبقت نکند [۲۷]

از حقوق دیگر استاد این‌است که، حق استاد را بشناسد و فضل او را فراموش نکند. شعبه رحمه‌الله فرموده است: هرگاه حدیثی را از کسی می‌شنیدم تا که زنده بود مانند غلام در خدمتش بودم.

حق دیگر استاد این است که حرمتش پاس داشته شود، کسی که غیبت او را می‌کند سخنش رد کرده شود، شاگرد به خاطر استاد غضب شود اگر از چنین کار عاجز بود مجلس را ترک‌کند، برای استاد دعای خیر بکند، اولادِ و اقارب استاد را در حیات و بعد از وفات احترام کند.

شاگرد در برابر آنچه از استاد سر می‌زند صبرکند و این کار باعث این نشود که از وجود استاد بی‌بهره شود و از آن دوری کند؛ شاگرد نسبت به استادش حسن‌ظن داشته باشد، اعمال و کردار استاد را (اگر ظاهراً درست نباشد) تأویل خوب نماید، در وقت شکر رنجی قبل از استاد اگرچه خودش مقصر نباشد معذرت بخواهد، و تقصیر را به خود نسبت بدهد و خود را ملامت کند با این کار محبت استاد و قلب او را به دست می‌آورد.

از کسی از اهل سلف نقل شده است: کسی که بر ذلت و خواری تعلیم صبر نکند در تمام عمر در جهالت بسر می‌برد و کسی‌که صبرکند در دنیا و آخرت باعزت زندگی می‌کند. از حقوق دیگر استاد این‌است که شاگرد با استاد درست و باادب صحبت کند و به استاد نگوید که چرا؟ نخیر، این موضوع را کی گفته از کجا نقل شده و امثال این‌ها. اگر این موضوعات را می‌خواست در این کار از لطف و مهر بانی کارگیرد [۱۱]

۲.اهمیت تحقیق

بدون استاد و شاگرد، چرخه آموزش از حرکت بازمی‌ماند. ازاین‌رو در حدیث آمده است که کودکان نباید بی تعلیم و تربیت بمانند و ناگزیر هر کودک تربیت‌پذیری، باید مؤدب [استاد] داشته باشد، و تحت تعلیم و تربیه قرارگیرد [۸]

به لحاظ اهمیت و بایستی وجود استاد در پروسه تعلیم است که گفته‌اند، استاد پدر، روح و عامل پرورش شاگرد است [۳] از دانشمندی نقل شده است: (آن‌که آموزش می‌دهد، پاداشی چون آن‌که آموزش می‌بیند دارد. پس از عالمان دانش بیاموزید و آن را به برادران خود (دیگران) آموزش دهید). [۳]

۳.پیشنیه تحقیق

در مورد حقوق و مکلیفت‌های استاد و شاگرد در متون دینی مطالب خوب و ارزنده‌ای به رشتۀ تحریر درآمده است، اما این مطالب درکتاب‌های مختلف به شکل پراکنده در صفحات و برگه‌های متنوع، این‌جا و آن‌جا از هر چمن سمنی است، و نوشته‌های مستقلی هم در این‌راستا صورت گرفته مانند: کتاب حقوق المعلم و المتعلم تالیف صالح ابراهیم محمد عماد. کتاب دیگری تحت عنوان الخلاصه فی حقوق المعلم و واجباته تالیف علی بن نایف شحود، کتاب تذکره السامع و المتکلم فی ادب العالم و المتعلم تالیف بدرالدین محمدابن ابراهیم الکنانی. کتاب دیگری زیرنام حقوق المعلم وواجباته تالیف قمصیۀ مریانا، کتاب دیگری نیز تحت عنوان آداب المتعلمین تالیف خواجه‌نصیرالدین طوسی و امثال این‌ها دراین‌راستا صورت گرفته تلاش همه این‌ها قابل تقدیر وستایش است؛ اما اگثریت این نوشته‌ها یا به زبان‌های خارجی هستند که برای همه‌گان به خصوص برای کسانی‌که به زبان عربی آشنایی ندارند قابل فهم نیست، و یا هم به ابعاد این موضوع به شکل همه جانبه بحث صورت نگرفته است. بنده کوشش کردم راهی را که دانشمندان مذکور آغاز کردند تا حدی ادامه و تکمیل نمایم تا باشد که گوشه‌ای از مشکلات جامعه درد دیده ما حل‌گردد.

۴.هدف تحقیق

تحقیق هذا به‌منظور نیل به اهداف ذیل صورت گرفته است:

۱. مشخص شدن حقوق و مکلفیت‌های اساتید؛
۲. معین شدن حدود و حقوق شاگردان؛
۳. بهتر شدن فضا و کیفیت آموزش.

۵.فرضیه تحقیق

به نظر می‌رسد که شناخت و رعایت حقوق و مکلفیت‌های متقابل استاد و شاگرد تاثیر فوق‌العاده‌ی در پروسه تعلیم و تربیه دارد.

۶.سؤالات تحقیق

۱. آیا شاگردان و محصلان حقوقی بالای اساتید خویش دارند؟
۲. آیا محصلان و شاگردان مکلفیت‌هایی در برابر استادان خوددارند؟

۷.روش تحقیق

در تحقیق حاضر از روش‌های ذیل استفاده شده است:

- روش کتابخانه‌ای: در این روش، نظریات مرتبط به موضوع، با مراجعه به کتاب‌خانه‌ها از منابع معتبر علمی، جمع‌آوری‌شده است.

- روش توصیفی - تحلیلی: در این‌روش منابع علمی مرتبط به موضوع، توصیف و تحلیل‌شده‌است.

۸.موضوع تحقیق: بررسی حقوق و مکلفیت‌های متقابل استاد و شاگرد از منظر اسلام

در فرهنگ آموزشی اسلام برای استاد و شاگرد آداب و وظایفی وجود دارد که عبارت انداز: آداب و وظایف استاد نسبت به خود، آداب و وظایف استاد نسبت به شاگرد و آداب و وظایفی نسبت به جلسه درس، هم چنان آداب و وظایف شاگرد نسبت به خود، آداب و وظایف شاگرد نسبت به استاد، آداب و وظایف شاگرد نسبت به جلسه درس و هم‌صنفی‌ها، که در زیر به شماری از آن‌ها اشاره می‌شود.

۹-آداب و وظایف استاد

استاد عزیز! حداقل چیزی که باید انجام دهید باید مظهر خوب و اسلامی داشته باشید، قول و فعل‌تان و یا گفتار و کردارتان باهم مطابقت داشته باشد، وقتی سخن می‌گویید به‌جز سخن نیک چیزی از شما شنیده نشود، وقتی به صنف داخل می‌شوید با بسم‌الله گفتن و با پیشانی باز به نزد دانش آموزان وارد شوید.

صحنه نامناسبی است که بعضی از استادان را می‌بینید که در بین محصلان بی‌عدالتی می‌کنند و در مقابل عده‌ای از محصلان حق تلفی و استعداد کشی می‌کنند.

وقتی به صنف داخل می‌شوید، برای شاگردان تحفه اسلام را که السلام علیکم است تقدیم نمایید، درس را باحمد خدا و درود به رسول‌الله صلی‌الله علیه وسلم آغاز نمایید و به‌این‌ترتیب روح تربیه اسلامی را در وجود محصلان غرس نمایید، برای یک استاد مناسب نیست که روح تعصب را در بین محصلان پخش نماید، مناسب نیست یک استاد و مربی نسل‌ها در وقفه بین دو ساعت درسی به شکل دزدانه خود را دریک گوشه پنهان، و سگرت دود کند [۴]

الف. آداب و وظایف استاد نسبت به خود

یک سلسله آداب و وظایفی است که استاد باید نسبت به خودش و شخصیت‌اش به آن‌ها توجه نماید، که در ذیل به آن‌ها اشاره می شود:

۱. استاد باید برای تعلیم شایستگی داشته باشد و بداند که قبول مسئولیت وعدم لیاقت، خیانت است. در متون دینی از این ناشایستگی‌گاه به (تکلیف) یعنی فراتر از دانش خود سخن گفتن تعبیر شده است. چنان‌که علی (رضی‌الله‌عنه) فرموده است (...پیشینیآن‌که تکلف ورزیدند، هلاک شدند. کسی از شما تکلف نورزد در دین خدا چیزی نگوید که نمی‌داند) [۱۹]

عبدالرحمن بن حجاج می‌گوید: بزرگان به من گفته‌اند (از دو صفت بپرهیز که هر که هلاک شد از این دو بود: از فتوا دادن به مردم بر اساس رأی خود و بی‌علم بپرهیز، و به آنچه نمی‌دانی اعتقاد پیدا نکن.) [۱۶].

دانشمندی در این‌زمینه گفته است: کسی که می‌خواهد عهده‌دار تعلیم گردد باید برای این کار شایستگی حاصل کند، سیما و نوع سخن گفتن او نشان‌دهنده شایستگی وی باشد.[۱۶]

۲. بـر اسـتاد لازم اسـت کـه حرمـت علـم و دانـش را پـاس دارد و آن را نگهبـان باشـد و آن را بـه نـااهلان آمـوزش ندهد تا بـه ابتـذال و فرومـایگی کشـانده نشـود، [۱] گفتـه اسـت: نشـانه سـبکی و خـواری علـم آن‌اسـت کـه اسـتاد، آن را به خانه شاگرد ببرد، مگر آن‌که ضرورتی در میان باشد [۳]

۳. استاد باید به علـم خـود عمـل کنـد و میـان گفتـار و کـردار او ناسـازگاری نباشـد. در منطـق اسـلام، بـرای داخـل شـدن در گـروه عالمـان بایـد اهـل عمـل بـود. فقـدان ایـن وجـه اخلاقـی بـه بی‌اثـری پنـد و وعـظ می‌انجامـد. امـام صـادق رحمـه‌الله دراین‌بـاره می‌فرمایـد: (اگـر عـالم بـه علـم خـود عمـل نکنـد، موعظـه‌هایش در دل‌هـا نمی‌نشـیند) [۳]

۴. اسـتاد نبایـد دانـش را از کسـی کـه در پـی دانـش و آمـوزش اسـت دریـغ دارد و در علـم بخـل ورزد. بـه قـول دانشـمندان: زکـات علـم، آمـوزش آن بـه بنـدگان خداونـد اسـت [۳] و چنان‌کـه حضـرت علی(رضـی الله تعـالی عنه) گفته است خداوند از عالمان پیمان گرفته است که جاهلان را آموزش دهند [۱۲]

۵. اسـتاد بایـد نیـت پـاک داشـته باشـد و تنهـا بـرای رضـای خداونـد جل‌جلالـه آمـوزش دهـد و از آمـوزش، هدف‌های دنیـایی و مـالی نداشـته باشـد و نخواهـد از ایـن رهگـذر نـام و نـانی بـه کـف آرد. خداونـد متعـال فرمـوده است: { ومـا أمـروا إلا ليعبـدوا الله مخلصـين لـه الـدين حنفـاء ويقيمـوا الصـلاة ويؤتـوا الزكـاة، وذلـک ديـن القيمـة} یعنی درحالی‌که جـز ایـن بدیشـان دسـتور داده نشـده اسـت کـه مخلصـانه و خـدای را بپرسـتند و تنهـا شـریعت او را آئـین (خـود) بداننـد و نمـاز را چنان‌کـه بایـد بخواننـد و زکـات را (بـه تمـام و کمـال) بپردازنـد. آئـین راسـتین و ارزشـمند این‌اسـت و بـس. هم‌چنـان رسـول گرامـی ﷺ فرمـوده اسـت: (انمـا الاعمـال بالنیـات) یعنـی صـحت و پاداش اعمال مربوط به نیت است [۳]

۶. استاد نباید از این‌که بگوید نمـی‌دانم، پـروا کنـد بـر اسـتاد لازم اسـت کـه تنهـا از آنچـه می‌دانـد بگویـد و موجـب گمراهی‌نشود. در حدیثی آمـده اسـت کـه (و مـن العلـم آن تقـول لمـا لاتعلـم الله أعلـم) یعنـی از نشـانه عـالم بـودن این‌است که به موضوعی که نمی‌داند بگوید من نمی‌دانم الله متعال دانا است.

۷. استاد باید خوش‌اخلاق باشد و ابتـدا بـه تهـذیب نفـس خـود بپـردازد تـا بتوانـد مقتـدای شـاگردان شـود. حضـرت علـی (رضـی‌الله‌عنه) می‌فرمایـد: (...هـر کـه خـود را امـام مـردم کنـد، بایـد پـیش از تعلـیم دیگـران خـود را تعلـیم دهـد، وی بایـد پـیش از زبـان رفتـار خـود را تأدیـب کنـد، آن‌کـه اسـتاد و مـؤدب خـویش اسـت بـه بزرگداشـت و احترام سزاوارتر است)[۱۶]

۸. استاد نبایـد بـرای رشـد شـغلی و اجتمـاعی و کسـب نـام ونـان و... بـه حکومـت روی خوش‌نشـان دهـد، امـا ایـن کـار بـرای اعـتلای کلمـه دیـن و تـرویج حـق و ریشـه سـوزی بدعت‌گـذاران و انجـام دادن امربـه‌معروف و نهـی از منکر و... نه‌تنها روا که از کارهای شایسته است [۱۹]

۹. استاد بایـد صـبور باشـد، زیـرا عملیـه و کـار آمـوزش و پـرورش سـخت و دشـوار اسـت و نیازمنـد صـبر و تحمـل بیش‌ازحد هست، بر اسـتاد لازم اسـت کـه در صـبر و اسـتقامت نمونـه مثـال بـوده باشـد، زیـرا قـدوه و پیشـوایش در

این‌کار محمد صلی‌الله علیه وسلم می‌باشد، که ایشان درراه دعوت چقدر زحمات زیادی را متحمل شدند و این کار را به اتمام رسانیدند، استاد باید متذکر شود که یک رسالت عظیم و بزرگی را بدوش دارد و پاداش بزرگی را در نزد الله متعال نیز دارد، الله متعال فرموده ست: « إنما یوفی الصابرون أجرهم بغیر حساب» ترجمه: جز این‌نیست که برای صابران پاداش بی حساب و زیاد داده می‌شود. قال رسول‌الله ﷺ والصلاۀ نور، والصدقۀ برهان، والصبر ضیاء) [۱۳] ترجمه: رسول اکرمﷺ فرموده است: نماز روشنی، صدقه حجت و برهان و صبر نیز روشنایی است.

۱۰. استاد باید دید وسیع داشته باشد، این صفت از استاد می‌طلبد که بر مطالعه و تحقیق ادامه بدهد و در سمینار ها و دوره های مختلف علمی وتربیوی به‌منظور رشد مسلک و استعدادش تلاش نماید، استاد باید علاوه بر مسلک خودش بر سایر علوم نیز آگاهی نسبی داشته باشد و از انکشافات جدید علمی بی‌خبر نباشد [۲۳]

۱۱. بر استاد لازم است که شخصیت و علمیت خود را از مفاسد حفظ نماید، زیرا استاد مانند لباس سفید است که پلیدی از مسافه های دور در آن معلوم و نمایان می‌شود، لذا بروی لازم است که نفس خود را از وقوع در شبهات حفظ نماید، ازین موضوع چنین برمی‌آید که استاد باید از کارهای که طبعاً فرومایه و شرعاً مکروه‌اند دوری نماید و از مواضع تهمت پرهیز کند و کاری نکند که شخصیت و مروت خود را زیر سؤال ببرد، از کارهایی که ظاهراً ناپسند اگرچه در اصل حلال باشد پرهیز نماید [۱۷]

۱۲. بر استاد لازم است که مظهر و منظر زیبا داشته باشد، زیرا وی الگو و پیشوا برای شاگردان و همه افراد جامعه‌است، پس لازم‌است که لباس و منظر زیبا داشته باشد، از پوشیدن لباس‌های نامناسب که رنک شوخ داشته و نشانه انسان‌های بی‌مروت است پرهیز نماید، و سنت است که انسان مسلمان خوشبویی استعمال نماید زیرا رسول اکرم صلی‌الله علیه وسلم فرموده است: من عرض علیه طیب فلا یرده، فإنه خفیف المحمل طیب الرائحۀ [۹] کسی‌که بروی خوشبویی تقدیم شود آن را مسترد نه کند، زیرا که وزن کم و بویی خوش دارد.

۱۳. استاد باید دارای ذکاوت فوق‌العاده باشد، یکی از صفات مهم برای استاد ذکاوت است که به‌واسطه آن می‌تواند اصناف مختلف مردم، روح و روان مردم، و شیوه‌های برخورد با مردم را درک نماید. استاد در هر مرحله از مراحل تدریس نیازمند سطح بلندی از ذکاوت هست تا بتواند دانش را به طریقه درست و آسان به شاگردان برساند [۲۲]

از علامات ذکاوت این‌است که استاد نام شاگردان را حفظ داشته باشد، زیرا خطاب کردن شاگردان با نام های خودشان تأثیر عمیقی برای ایجاد رابطه بین شاگرد و استاد می‌داشته باشد و از علامات ذکاوت این است که استاد وعده‌ها و کارهایی را که با محصلان قرار گذاشته بود به یاد داشته باشد.

۱۴. استاد باید حماس باشد و در وجود شاگردان شور و شعف را ایجاد نماید، از نشانه‌های حماس بودن استاد این‌است که استاد به شغل معلمی و استادی خود افتخار نماید و در مجالس و محافل به آن افتخار نماید و با گردن بلند بگوید که من استاد هستم، حماس بودن استاد باعث می‌شود که شاگردان علاقه‌مندی بیشتر به علم و دانش داشته باشند و خود را به پله‌های بلند علم و دانش برسانند [۲۵]

۱۵. استاد باید در مسلک خویش خلاق، ایجادگر و مبتکر باشد، استاد باید برای شاگردان خویش هرروز مطالب جدید، بکر و تازه را بیاورد و از نوشانیدن شاگردان از آب استاده و نان شب‌مانده خودداری نماید، این‌کار ممکن نیست مگر با مطالعه، تحقیق، تلاش، بیداری و شب‌زنده‌داری. دنیای کنونی شدیداً در حال تغییر است و هرروز انقلاب تکنالوژی را تجربه می‌کند، کسی‌که به دنبال این تجدد نباشد از کاروان پیشرفت عقب می‌ماند، استادی که رشد و پیشرفت نکند در عقب شاگردانش باقی می‌ماند و هرقدر سریع راه‌برود به کاروان ملحق نمی‌شود.

ب. آداب و وظایف استاد نسبت به شاگرد

یک سلسله آداب و وظایفی است که استاد در مورد شاگردان خود آن‌ها را رعایت نماید، این موارد قرار ذیل است:

۱. استاد باید به شاگردان خود خیرخواه و رفیق بوده باشد، استاد رهبر تربیتی است که شاگردان در همه احوال به وی رجوع می‌نمایند پس بروی لازم‌است که برای ارشاد و رهنمایی شاگردان در هر حالت آماده باشد و برای شاگردان مشاور صادق و رفیق رازدار بوده باشد[۲۹]

۲. استاد باید با شاگرد چنان باشد که آنچه را برای خود دوست دارد برای آنان نیز دوست بدارد و آنچه را برای خود نمی‌پسندد برای آنان هم نه پسندد و درمجموع خیرخواه آنان باشد[۳]

۳. بر استاد لازم است که در مقام آموزش شاگردان، فروتنی را پیشه کند و با آنان به نرمی و مهرورزی رفتار کند زیرا شاگرد به‌مثابه فرزند استاد است، ازاین‌رو، لازم است با آنان شایسته سخن گوید و با نام و لقب نیکو آنان را بخواند و آنان را بزرگ دارد و احترام کند.

۴. استاد باید مراقب احوال، رفتار، تحصیل و معاشرت شاگردان باشد و تهذیب و اصلاح اخلاق و رفتار آنان را بخواهد و آن‌ها را از بدی‌های اخلاقی و رفتاری و هر چه که باکمال و ادب و اخلاق ناسازگار است دور دارد و در تحصیل علم و کسب ویژگی‌های اخلاقی متعالی آنان را یاری دهد، آداب و معاشرت اجتماعی را به آنان بیاموزد و چنان کند که شاگردان پرهیزگار و نیکو کارشوند. هم‌چنین استاد باید احوال شاگرد غایب را جویا شود و اگر شاگرد بیمار شد به عیادت او رود و اگر شاگرد به چیز مهم‌تر از درس مشغول شود در صورت امکان او را یاری کند [۶]

۵. استاد نباید شاگردی را بر دیگری برتری دهد، چه این کار خلاف حکمت و عدالت است، اما اگر شاگرد در تحصیل و اخلاق و... برتری داشته، به‌جاست موردتوجه استاد قرار گیرد[۱۶]

۶. استاد باید سخت در پی آموزش شاگردان خود کوشا باشد و نیک بکوشد مطالب را درخور فهم و درک آنان بیان کند و در این‌کار به تفاوت‌های فردی شاگردان عنایت داشته باشد و با هرکس درخور استعداد و میل او رفتار کند [۲] پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است {نحن معاشر الأنبیاء أمرنا أن ننزل الناس منازلهم ونکلمهم علی قدر عقولهم} یعنی ما گروه پیامبران هستیم و امر کرده شدیم که مردم را به قدر مقامشان عزت دهیم و با مردم به اندازه عقلشان صحبت کنیم.

۷. چون شاگردی از آموزش بی‌نیاز شود و کمال یابد و شایسته تدریس و معلمی شود، استاد باید به فکر او باشد و مردم را به او ارجاع دهد تا از او بیاموزند. این‌کار در میان بزرگان شایع بوده است. [۱۶]

۸. استاد باید عدالت را تأمین کند، عدالت عبارت از این‌است که برای هر صاحب حق، حقش داده شود، از آن‌جایی‌که عدالت در همه امور لازم و ضروری است، عدالت در پروسه تعلیم اساس وزیر بنای تأمین عدالت در همه امور دیگر است، زیرا تربیه یک انسان بر مبنای عدالت در اولین مرحله زندگی‌اش که همانا دوران کودکی، نوجوانی و جوانی است، باعث می‌شود که در آینده بر مبنای عدالت عمل کند، استاد در حقیقت ایجاد گر عدالت در وجود شاگرد است، استاد الگوی عدالت است، اگر استاد بی‌عدالتی نماید پس بر عدالت باید سلام بدهیم و رهایش نمایم، الله متعال فرموده است: (إن الله یأمر بالعدل والإحسان)ترجمه: الله متعال به عدل و احسان امر می‌کند؛ و درجایی دیگری فرموده:(وأقسطوا إن الله یحب المقسطین) ترجمه: شما به قسط و عدالت عمل کنید الله متعال عدالت‌پیشگان را دوست دار. و پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و سلم فرموده است:" سبعۀ یظلهم الله فی ظله یوم لا ظل إلا ظله: إمام عَدْل) ترجمه: هفت گروه مردم در روز قیامت روزی که هیچ سایه‌ای نیست در زیر سایه عرش پروردگار قرار می‌گیرند، از آن جمله یکی امام و رهبر عادل است، آیا استاد در صنف خود امام و رهبر نیست، آیا استاد مربی و توجیه‌کننده شاگردان نیست؟ پس چطور ممکن است که استاد عادل نباشد، زیرا عدم رعایت عدالت توسط استاد و معلم، سبب بغض، کینه و دشمنی شاگرد نسبت به معلم، استاد پوهنتون، جامعه و بالاخره سبب می‌گردد که شاگرد نسبت به علم نیز دشمنی ورزد، به‌عبارت‌دیگر بی‌عدالتی استاد سبب فروپاشی نظام تعلیمی و تحصیلی از ریشه و بنیاد می‌گردد.

عدالت استاد وقتی ظاهر می‌گردد که استاد در عرصه مکافات و مجازات عدالت را رعایت نماید و هر محصل فرصت‌هایی را برای ابراز نظر و رأی خود به دست آورد که سایر صنفی‌هایش به آن دست‌یافته‌اند. این به خاطری است که عده‌ای از محصلین در مورد عدالت استادان خویش حساسیت شدید می‌داشته باشند، شاید یک تعداد از محصلین به این موضوع توجه نداشته باشند آما به هر صورت بی‌عدالتی تأثیرات منفی به‌سزایی بالای شاگردان دارد. اموری که باید عدالت در آن‌ها توسط استاد رعایت شود قرار ذیل است:

بـر اسـتاد لازم اسـت کـه به‌صـورت عمـوم در تعامـل بـا محصـلان خـویش عـدالت را رعایـت نمایـد، به‌خصـوص در حالتی‌که در یک صنف از اقوام و اقشار مختلف شاگردان موجود بوده باشد.

عدالت در نمره دهی، طـوری کـه هـر شـاگرد حـق خـود را پـوره بـه دسـت آورد. عـدالت در مکافـات و مجـازات چـه مـادی باشـد و چـه معنـوی، زیـرا محصـلان از اسـتادی‌که یـک شـاگرد را نسـبت بـه سـایرین تـرجیح بدهـد نفـرت دارنـد. علامـه ابـن عابـدین حکـایتی را نقـل نمـوده کـه روزی امـام ابـو یوسـف شـاگرد ابوحنیفـه و قاضی‌القضـات دوران هارون‌الرشـید، در مـورد قضـیه‌ای کـه بـین هارون‌الرشـید و نصـرانی رخداده بـود بـه نفـع یهـودی و بـه ضـرر هارون‌الرشید فیصله نمود. امام ابـو یوسـف هنگـام وفـات خـود گفـت: خـدایا! تـو میـدانی کـه مـن ایـن مسـئولیت را بـه دوش داشـتم و نسـبت بـه هـیچ یـک از طـرفین دعـوی حتـی در قلـب تمایـل نکـردم مگـر در مـورد همـان دعوایی که بین نصرانی و هارون اتفاق افتـاد کـه قلـب مـن بـه هـارون مـیلان داشـت امـا فیصـله را بـه نفـع یهـودی صادر نمودم، این جمله را گفت و گریه گرد [۲۱]

۹. اسـتاد بایـد در تعـاملش بـا شـاگردان متواضـع و فـروتن باشـد، حرکـات و تصـرفات آن‌هـا را تحمـل نمایـد، زیـرا شاگرد مانند طفلی اسـت کـه حرکـات و سـکنات زیـادی دارد، اسـتاد وقتـی در صـنف داخـل می‌شـود بـه شـاگردان سلام بدهد، وقتی شاگردان را خـارج از صـنف ببینـد بـا ایشـان اسـتادِ شـود و در سـخن ایشـان مشـارکت نمایـد، بـر اسـتاد لازم اسـت کـه از تکبـر و غـرور خـود پـایین بیایـد و بـا شـاگردان خـود نرمـی و تواضـع نمایـد و بـا نرمـی و مهربـانی بـا ایشـان برخـورد نمایـد، سـپس ببینـد کـه چقـدر ایـن تواضـع و نـرمش در حرکـات و سـلوک آن‌هـا تأثیرگـذار اسـت. بـرای رسـول خـدا صـلی‌الله علیـه و سـلم گفتـه شـد کـه مشـرکین شـما را بسـیار اذیـت نمودنـد، ایشـان را نفـرین کـن و علیـه ایشـان دعـای بـد نمـا، ایشـان در جـواب فرمودنـد:" إنمـا بعثـت رحمـۀ لـم أ بعـث لعناً"ترجمه: من به حیث رحمت فرستاده‌شده‌ام و نفرین گوینده فرستاده نشده‌ام.

تواضع از اخـلاق علمـاء اسـت، زیـرا عـالم حقیقـی را غـرور سـوار نمی‌شـود و خـودرأی و خودخـواه نیسـت، زیـرا وی به‌یقین درک می‌کند کـه علـم بحـر بیکرانـی اسـت کـه هـیچ‌کس آن را احاطـه نکـرده اسـت، اسـتاد بایـد بدانـد کـه قافله علم و علماء بسیار طـولانی اسـت کـه از گذشـته شـروع شـده و بـه آینـده وصـل شـده اسـت، وی یکـی از ایـن علمـائ اسـت، پـس بـر وی مناسـب نیسـت کـه بـر زحمـت گذشـتگان حسـد کنـد و تـلاش نسـل جدیـد را نادیـده بگیرد.

بر استاد لازم است اگر احیانـاً بـر جفـا و بی‌ادبـی متعلمـین مواجـه می‌شـود، صـبر نمایـد، به‌قـدر امکـان عـذر ایشـان را بپذیرد و با لطف و نرمی برخورد نماید وایشان را نصیحت کند.

۱۰. اسـتاد رهبـر و مرشـد اسـت، نقـش رهبـری اسـتاد ازیـن نقطـه ظـاهر می‌شـود کـه اسـتاد یـک سلسـله فعالیت‌هـای هدفمندانـه را بـرای کمـک و همکـاری شـاگرد ایفـا می‌کنـد، اسـتاد بایـد از حالـت شخصـی شـاگرد، مشـکلات، وضـعیت خـانوادگی، مهارت‌هـا و اسـتعدادهای نهفتـه در وجـود شـاگرد خـود را آگـاه نمایـد و بـرای رهنمایی درست وی طریقه و راه مناسبی را انتخاب نماید تا شخصیت متعلم تکامل نماید.

استاد مانند طبیب است که مریض را معاینه می‌کند، مرض وی را تشخیص می‌دهد و دوای مناسب را برایش توصیه می‌کند، طعام و نوشیدنی که برای مریض مضر نباشد را مشخص می‌کند، استاد آگاه‌ترین شخص نسبت به شاگردانش است، وی تمام توانایی‌ها، علاقه‌مندی‌ها، مهارت‌ها و تمام ظرفیت‌های شاگرد خود را می‌داند، پس او بهتر می‌تواند چنین شخص را رهبری و رهنمایی نماید، استاد است که نقشه راه زندگی علمی شاگرد را رسم می‌نماید، ازین جاست که جایگاه استاد برجسته می‌شود.

أمیر الشعراء أحمد شوقی چنین گفته: قم للاستاد و وفه التبجیلا - کاد المعلم أن یکون رسولا.

به‌پای استاد بلند شوید و وی را اعزاز نمایید، زیرا مقام استادی نزدیک به مقام پیامبری است [۲۱]

ج.آداب و وظایف استاد نسبت به جلسه درس

یک سلسله آدابی وجود دارد که استاد آن را باید در حین جلسه درس رعایت نماید، که قرار ذیل به آن اشاره می‌شود:

۱. لازم است استاد با ظاهر آراسته و جامه‌ای سفید در درس حاضر شود و بوی خوش به کاربرد و محاسن خویش مرتب دارد [۱۶]

۲. لازم است که استاد بر حاضرین سلام کند و درس را با درود بر پیامبرﷺ بیاغازد [۱۶]

۳. استاد باید در جلسه درس و در مقام تدریس، با وقار و متین باشد و ادب و نزاکت را پاس دارد [۱۶]

۴. خوب است استاد در مقام تدریس، پشت به قبله باشد تا از این رهگذار شاگردن‌که شمارشان بیشتر است رو به قبله باشند [۱۶]

۵. استاد باید در جایگاهی نشیند و درس بگوید که همه شاگردان او را ببینند و او هم بتواند همه را مشاهده کند [۱۶]

۶. لازم است استاد بر شاگردان فاضل و کوشا بیش از دیگران احترام بگذارد و به‌پاس امتیازات معرفتی آنان، در مقابلشان از جای خود برخیزد [۱۶]

۷. استاد باید در تدریس، علوم شریف‌تر را مقدم دارد، به‌این‌ترتیب: اصول دین، تفسیر، حدیث، بیان... [۱۶]

۸. استاد باید مکانی را برای تدریس برگزیند که از عوامل بازدارنده یادگیری تهی باشد و گنجایش به‌اندازه داشته باشند [۱۶]

۹. استاد باید بکوشد تا شاگردان پا از ادب و نزاکت و موازین اخلاقی فراتر ننهند و در بحث و گفتگوی درسی دادورزند [۳]

۱۰-آداب و مکلفیت‌های شاگرد

در سفارش‌های تربیتی بزرگان آداب و وظایف فراوانی برای شاگرد آمده است که به برخی آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. حضرت علی رضی‌الله‌عنه می‌فرماید: «از حقوق عالم [استاد] آن است که از او بسیار نپرسی و بر دامانش نیاویزی و چون او در میان گروهی باشد وتو بر او وارد شوی ابتدا بر همگان سلام عام کنی و سپس به او جداگانه درود فرستی و

در حضور او نشینی نه پشت سرش و با چشم و انگشت به او اشارت نکنی و در مخالفت با او زیاد نگویی: فلان چنین گفت و چنان و از درازی سخن او رنجیده نشوی...» [۱۹]

۲. در رساله حقوق آمده است «حق استاد آن است که او را بزرگ داری و جلسه [درس] او را گرامی شماری و خوب به گوش بسپاری و بر او بانگ نزنی و به پرسش درباره او پاسخ نگویی و نزد او از کسی شکایت نکنی و اگر از او بد گفتند از وی دفاع کنی و کاستی‌های وی را پوشیده داری و شایستگی‌های او را آشکارسازی و با دشمن او ننشینی و با دوست او دشمنی نورزی...» [۲۰]

آداب و مکلفیت‌های شاگردان نیز به سه بخش تقسیم می‌شود که یک سلسله آداب نسبت به خود شاگرد و یک سلسله آداب نسبت به استاد و یک سلسله آداب و مکلیفت‌ها نسبت به جلسه درس است که در ذیل به آن‌ها اشاره می شود:

الف. آداب و وظایف شاگرد نسبت به خود

۱. شاگرد باید در کار مربوط به تحصیل، نیت خالص و پیراسته از آلودگی‌های دنیایی داشته باشد. پیامبر اکرم صلی‌الله علیه وسلم می‌فرماید: «صحت کارها به نیت مربوط است». گذشته از این، باید نیت شاگرد از فراگیری دانش، جلب رضایت خداوند و زدودن جهل از خود و دیگران و احیای دین و ابقای اسلام و امربه‌معروف و نهی از منکر از خود و خانواده و دیگران در حد امکان باشد [۱۶]

۲. متعلم باید فرصت ها را غنیمت بداند و در دوران آسودگی و آسایش خاطر و شادابی و جوانی و توانمندی جسمی و هوشیاری ذهن و سلامت حواس به تحصیل بپردازد، و پیش از آن‌که به مقام و منصبی برسد در کار دانش آموختن بار خود را بسته باشد.

۳. شاگرد باید در کار علم و دانش زحمت و خواری را تحمل کند، زیرا علماء گفته‌اند: کسی‌که یک ساعت خواری علم را تحمل نکند برای همیشه خواری جهل را تحمل خواهد کرد، هم‌چنان گفته‌اند: کسی‌که در آغاز زحمت را تحمل نکند آینده درخشان نمی‌داشته باشد [۴]

۴. شاگرد باید موانع تحصیل علم را از میان بردارد و باگستن از علایق مادی که مانع پیشرفت علمی او می‌شود، راه تحصیل علم را بر خود هموار سازد. شاگرد باید در پوشاک و خوراک به اندک بسنده کند و در آمال و آروزها نباشد تا چشمه‌های حکمت و کمال روحی در او به جوشش افتد. باری اگر شاگرد می‌خواهد معلم، بخشی از علم خود را در کف او نهد، باید شاگرد همهٔ خویش را در اختیار آن گذارد [۱۶]

۵. شاگرد نباید دل درگرو روایاتی نهد که به ازدواج تشویق و ترغیب می‌کنند، زیرا این روایات مربوط به مواردی است که امر واجب و مهم‌تری در برابر ازدواج وجود نداشته باشد [۱۶]

۶. بر شاگرد لازم‌است که از نشست و برخاست باکسانی‌که او را از کسب دانش بازمی‌دارند، دوری گزیند این‌کار از مهم‌ترین وظایف شاگرد است، زیرا بزرگ‌ترین اثر ناخوشایند معاشرت با نااهلان بر باد رفتن عمر و از کف دادن دین است. شاگرد باید همواره در پی معاشرت باکسانی باشد که با آنان بهره‌برساند یا از آنان بهره‌ببرد و اگر نتواند چنین

کسانی را بیابد، البته تنهای برای او مناسب‌تر است چنانچه از ابی سعید الخدری روایت است که رسول خدا صلی‌الله علیه وسلم فرموده است: لا تصاحب الا مومناً ولا یأکل طعامک الاتقی، یعنی به‌جز با مؤمن با هیچ‌کسی دیگری هم‌صحبت و رفیق نباش، نانت را به غیراز پرهیزگاران نخورد [۱۴]

۶. شاگرد باید به تحصیل دانش حریص باشد و همه‌وقت خود را، چه شب و چه روز، صرف این‌کار کند و لحظه‌ای چه در سفر و چه در حضر، از علم‌اندوزی غافل نماند و روا ندارد اوقاتش جز در کار علمی صرف شود، مگر در حد نیاز و ضرورت [۱۶] شاگرد باید بداند که دانش‌آموزی با تن‌آسانی ساز گار نیست و چنان‌که گفت شده است نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود و چنانچه امام مسلم حدیثی را نقل نموده است:«لَا یُسْتَطَاعُ الْعِلْمُ بِرَاحَةِ الْجِسْمِ» ترجمه: دست‌یابی به علم با راحتی جسم ناممکن است.[۲۸]

۷. شاگرد باید در کار دانش، عالی‌همت و بلندپرواز باشد و به اندک بسنده نکند و کار یادگیری را برای آینده موکول نکند و در برابر مشکلات و موانع تحصیل علم تسلیم نشود و با آن‌ها درافتد و یادگیری و حفظ مطالب را وانهد و بداند که مشکل و مانع همیشه می‌تواند پیش آید. درعین‌حال باید هر چه زودتر مشکلات و موانع را از میان بردارد [۱۶]

۸. شاگرد در فرآیند تحصیل، باید به ترتیب اولویت عمل کند و اهم و مهم را در نظر گیرد و بر این اساس بر فراگیری علوم بپردازد. وی نباید پیش از فراگیری مقدمات و پیش‌نیازها به مطالب و درس‌هایی که منطقاً مسبوق به آن‌هاست بپردازد. هم‌چنین پیش از استاد شدن و عالم شدن نسبی در علوم نباید به مسائل مورد اختلاف و آرای گوناگون دانشمندان در مورد آن مسئله بپردازد. بر وی است که بی‌جهت از علمی به علم دیگر، یا از کتابی به کتاب دیگر مشغول نشود [۲۰]

ب. آداب و وظایف شاگرد نسبت به استاد

یک سلسله آداب و مکلفیت هایی وجود دارد که شاگرد باید آن‌ها را نسبت به استاد خود رعایت نماید که قرار ذیل به آن اشاره می‌شود:

۱. گزینش استاد خوب، شاگرد باید استادی را انتخاب کند که عالم‌تر و پرهیزگارتر باشد و معلمی را که سالش بیشتر است ترجیح دهد. وی باید در تحصیل و گزینش استاد به مشاوره خیزد و شتاب نه ورزد و شایسته است چون برای تحصیل، به شهری رود، دو ماه بردباری کند آنگاه برای خویش معلمی برگزیند. این کار برای آن است که در اثر گزینش استاد نامناسب مجبور نشود وی را وانهد و به دیگری روی آورد که این‌کار برای او پسندیده نیست. باری از بزرگ‌ترین سعادت‌های شاگرد آن‌است که معلمی به دست آورد که کامل و عارف به حقایق امور باشد و به روز حساب، ایمان داشته باشد و به احکام دین آگاه باشد و علمش را با واسطه عالمان نیک خصال گرفته باشد [۱۶]

۲. شاگرد باید استاد را پدر روحانی خویش شمارد و بداند که وی از پدر جسمانی ارزشمندتر است و در به‌جا آوردن حقوق پدر روحانی خود بکوشد و بیش از دیگران وی را احترام نماید [۱۶]

۳. بر شاگرد لازم است استاد را چون طبیب و خود را چون بیمار فرض کند و موبه‌موی دستور وی را عملی کند مثلاً اگر استاد کتاب خاصی یا بخشی از کتابی را برای خواندن مقرر داشت از فرمان او سر برنتابد و با وی نه ستیزد.

۴. بر شاگرد لازم‌است که استاد را بزرگ دارد و حرمت وی را پاس دارد و کاستی‌های وی را نادیده انگارد. این‌کار به بهره‌گیری از استادیاری می‌کند.

امام شافعی رحمه‌الله فرموده است: من در حضور امام مالک رحمه‌الله آهسته‌آهسته ورق می‌زدم تا صدای ورق زدنم را استادم نه شنود. امام ربیع رحمه‌الله فرموده است: (من جرأت نکردم در حضور امام شافعی رحمه‌الله که استادم بود آب بنوشم از ترس این‌که مبادا به سویم نگاه کند). هم‌چنان روایت شده است که بعضی از شاگردان در زمان تابعین رحمهم الله هرگاه به‌سوی استاد خود می‌رفتند اول صدقه می‌دادند سپس این دعا را می‌خواندند (اللهم استرعیب معلمی عنی و لاتذهب برکت علمه عنی) اللهی عیب و نقص استادم را از من پنهان کن و برکت علم او را از من مگیر.

امام نووی رحمه‌الله فرموده است: استاد شدن شاگرد در مقابل استاد حتی در وقت قرائت قرآن کریم نیز جایزاست به‌شرط این‌که این قیام به خاطر احترام برای استاد بوده باشد [۱۶]

۵. شاگرد باید استاد را از پدر خویش محترم و بزرگ‌تر دارد، زیرا نیک بختی او به دست استاداست.

امام غزالی فرموده است: بر استاد لازم است که شاگرد را به‌منزله فرزند خود قرار دهد، طوری که هدفش نجات آنان از آتش دوزخ باشد، و این‌کار مهم‌تر از است ازین‌که والدین فرزند خود را از آتش دنیا نجات می‌دهند، ازین رو حق استاد بالاتر از حق والدین است، زیرا والدین سبب نجات فرزند در دنیا فانی می‌شوند اما استاد سبب نجات شاگرد در دنیای ابدی می‌شود [۱] قطرب که از مشهورترین شاگردان سیبویه بود، بسیار به علم و تعلیم عشق می‌ورزید و در حضور در جلسه درس پیش از سیبویه از دیگر شاگردان گوی سبقت ربوده بود. ازاین‌رو، روزی سیبویه به او می‌گوید: تو به قطرب (=کرم شب). ازآن‌پس این لقب براو ماند.

۷. شاگرد باید رأی استاد را بر نظر خود ترجیح دهد و با او گونه‌ای آمرانه برخورد نکند. وی باید همواره در پی خشنودی استاد باشد حتی اگر استاد در مورد مسئله‌ای موافق نباشد.

۸. شاگرد باید همواره از استاد به نیکی و احترام یاد کند و در گفتار با او شرط ادب نگهدارد و در خطاب به استاد از فعل جمع استفاده کند و نام استاد را بی لقب احترام‌آمیز نبرد [۱۶]

۹. شاگرد باید پیوسته از استاد خود قدردانی کند و حتی سرزنش‌ها و توبیخ‌های وی را به دل نگیرد و استاد را سپاس گوید و در پی جلب‌توجه استاد خود باشد و رهنمودهای اخلاقی و تحصیلی استاد را نشانه لطف و عنایت او به خود شمارد و قدر نعمت استاد را بداند [۱۶]

۱۰. شاگرد برای ورود به جلسه و رسیدن به خدمت استاد باید، ظاهر آراسته داشته باشد و در بهداشت فردی خود کوتاهی نکند، مثلاً ناخن‌هایش کوتاه و تمیز باشد و دندان‌هایش را برس و یا مسواک زده و موهایش مرتب باشد [۱۶]

۱۱. شاگرد نباید در پی خورده گیری از استاد برآید و حتی نباید لغزش‌های گفتاری وی را دستاویز قرار دهد و او را به ریشخند گیرد و چنان کند استاد مورد تمسخر شاگردان قرار گیرد، بلکه باید لغزش زبان استاد را نادیده انگارد که در غیر این صورت مورد خشم خدا قرارمی گیرد [۱۶]

قال أبو الحسن الماوردی رحمه‌الله:رَجَّحَ كَثِيرٌ مِنْ الْحُكَمَاءِ حَقَّ الْعَالِمِ عَلَى حَقِّ الْوَالِدِ." "أدب الدنيا والدين" (ص ۶۹). بسیاری از حکماء حق استاد را نسبت به حق پدر ترجیح داده اند.

ج: آداب و وظایف شاگرد نسبت به تحصیل و جلسه درس

۱. شاگرد باید در جلسه درس با اشتیاق و دقت به سخنان استاد گوش فرا دهد و نگاهش به او باشد و مطالب را به ذهن بسپارد و با لباس خود بازی نکند و آرام بنشیند و با سر روی خود بازی نکند و خیمازه نکشد و از انگشتان خود صدا درنیاورد و سینه صاف نکند... [۱۶]

۲. شاگرد باید بکوشد که همه یا قسمتی از قرآن کریم را حفظ کند؛ چه قرآن اساس دیگر علوم است معارف قرآنی باارزش‌ترین معارف انسانی است. درگذشته دانشمندان فقه و حدیث را تنها به کسانی می‌آموختند که حافظ قرآن می‌بودند [۲۰]

۳. خوب است که شاگرد هنگام درس و بحث روبه‌قبله نشیند و دعا کند و درود بفرستدکه این موجب موفقیت درس و تحصیل است [۲۰]

۴. شاگرد باید همیشه وسایل نوشتن همراه داشته باشد تا آنچه را مفید می‌داند یاد داشت کند.

۵. شاگرد باید در مطالعه و درس به آن مقدار درس که درخور و استعداد او است بسنده کند و مراقب باشد که با پرداختن به آنچه فراتر از استعداد او است ذهن خود را خسته و بیزار نکند وقت خود را به باد ندهد. هم‌چنین نباید کتاب و درسی را نیمه‌کاره بگذارد و به کتاب و درسی دیگر بپردازد [۱۶]

۶. بر شاگرد لازم‌است که پیش از حفظ کردن آنچه را از استاد نوشته است، یا داشت‌های خود را اصلاح و تصحیح کند و به‌درستی آن‌ها اطمینان یابد آنگاه به حفظ کردن آن‌ها بپردازد. شاگرد نباید کتابی را بی مشاوره با استاد و پیش از تصحیح آن از برکند [۱۶]

۷. شاگرد باید آموخته‌های خود را از راه مباحثه و مذاکره و تفکر و تعمق در آن‌ها تقویت کند و راه فراموشی را بر آن‌ها ببندد [۱۶]

۸. بر شاگرد لازم‌است که نسبت به درس قرآن و حدیث اهتمام ویژه داشته باشد و در بامداد به استماع قرآن و حدیث بپردازد و در این‌کار ریزکار و موشگاف باشد و به هیچ‌وجه به مسامحه و سهل‌انگاری تن ندهد [۱۶]

۹. شاگرد باید قدر فرصت‌ها را بداند و از دوران نشاط و شادابی زندگی برای کسب دانش سود جوید و از کسالت و کاهلی و بر باد دادن وقت به‌شدت پرهیز کند. او باید پیش از اشتغال به فن و حرفه با رسیدن به مقام و ریاست، به تحصیل علم بپردازد که این امور مانع علم‌آموزی می‌شود [۱۶]

۱۰. لازم است که شاگرد همیشه در جلسه درس حاضر باشد و از غیبت از درس دوری کند وی نباید تنها به درس خاص خود بسنده کند، بلکه لازم است به دیگر درس‌ها هم اهتمام ورزد و از هر درسی توشه‌ای برگیرد، البته اگر احساس کرد توانایی ندارد چند درس را هم‌زمان بیاموزد، باید از آموزش هم‌عرض چند درس خودداری کند [۱۸]

۱۱. شاگرد باید پیش از فراگیری هر علم و دانش، غایه و هدف آن علم را لحاظ کند و با توجه به هدف هر علم به تحصیل آن بپردازد و از فراگیری علوم محمود غفلت نه‌ورزد و در پی یادگیری علوم مذموم نه باشد، از توصیه‌های حضرت علی رضی‌الله‌عنه است: دانش فراوان است بهترین آن را بیاموزید [۱۲]

۱۱-نتیجه

از تحقیق بالا چنین نتیجه گیری می‌شود که استاد و شاگرد دو عنصر اساسی پروسه تعلیم و تربیه هستند که هرکدام آن‌ها یک سلسله حقوق و مکلفیت‌هایی دارند که رعایت آن‌ها برای موثریت پروسه تعلیم و تربیه بسیار مفید و مثمر ثمر واقع می شود و هریک از استادان و شاگردان برای تحقق هدف والای پروسه آموزش و پرورش مکلف هستند تا این موارد را رعایت نمایند تا پروسه تعلیم و تربیه به موفقیت بیانجامد. از جمله این موارد:

- امام نووی رحمه‌الله فرموده است: استاده شدن شاگرد در مقابل استاد حتی در وقت قرائت قرآن کریم نیز جایزاست به‌شرط این‌که این قیام به خاطر احترام برای استاد بوده باشد [۱۶]
- امام غزالی فرموده است: بر استاد لازم‌است که شاگرد را به‌منزله فرزند خود قرار دهد، طوری‌که هدفش نجات آنان از آتش دوزخ باشد، و این‌کار مهم‌تر از است ازین‌که والدین فرزند خود را از آتش دنیا نجات می‌دهند، ازین رو حق استاد بالاتر از حق والدین است، زیرا والدین سبب نجات فرزند در دنیا فانی می‌شوند اما استاد سبب نجات شاگرد در دنیای ابدی می‌شود [۱]
- روایت شده است که بعضی از شاگردان در زمان تابعین رحمهم الله هرگاه به‌سوی استاد خود می‌رفتند اول صدقه می‌دادند سپس این دعا را می‌خواندند (اللهم استرعیب معلمی عنی و لاتذهب برکت علمه عنی) اللهی عیب و نقص استادم را از من پنهان کن و برکت علم او را از من مگیر.
- قال أبو الحسن الماوردی رحمه‌الله:رَجَّحَ كَثِيرٌ مِنْ الْحُكَمَاءِ حَقَّ الْعَالِمِ عَلَى حَقِّ الْوَالِدِ. امام ماوردی فرموده است: بسیاری از حکماء حق استاد را نسبت به حق پدر ترجیح داده اند.
- استاد باید به شاگردان خود خیرخواه و رفیق بوده باشد، بر استاد لازم‌است که در مقام آموزش شاگردان، فروتنی را پیشه کند و با آنان به نرمی و مهرورزی رفتار کند زیرا شاگرد به‌مثابه فرزند استاد است، استاد باید مراقب احوال، رفتار، تحصیل و معاشرت شاگردان باشد و تهذیب و اصلاح اخلاق و رفتار آنان را بخواهد، استاد باید سخت در پی آموزش شاگردان خود کوشا باشد و نیک بکوشد مطالب را درخور فهم و درک آنان بیان کند، استاد باید عدالت را تأمین کند.

۱۲-پیشنهادها

۱- با توجه به آموزه های دین مقدس اسلام که برای هریک از استاد و شاگرد حقوق و مکلفیت های زیادی و خوبی را مد نظر داشته است وزارت های محترم تحصیلات عالی و معارف در قوانین خود بازنگری نموده و این آموزه ها را در نظر گیرند.

۲- با توجه به آموزه های دینی که به علم و عالم بهترین و بیشترین ارج را قایل است پیشنهاد می‌گردد که به وضعیت زندگی استادان چه درسطح تحصیلات عالی و چه در سطح وزارت معارف کشور توجه خاصی نمایند زیرا آموزش و پرورش ستون فقرات ترقی و آسایش در جامعه است.

۳- برای بهتر شدن کیفیت آموزش و پرورش پیشنهاد می‌گرددکه برای هر صنف مطابق معیار های بین المللی آموزش و پرورش تعداد محدود دانش آموزان در نظر گرفته شود تا به تمام چنبه های تعلیمی وتربیتی رسیدگی شود و همان احترام متقابل که دین مبین اسلام برای هریک از استاد و شاگرد توصه نموده است رعایت گردد.

فهرست مراجع

[۱] ابراهیم، ناصر. (۱۹۸۶). *مقدمه فی التربیه*. عمان: جمعیه عمال المطابع الاردنیه.

[۲] البغدادی، احمدعلی بن ثابت الخطیب. (۱۹۸۱م). *کتاب الجامع لاخلاق الراوی و آداب السامع*. کویت: مکبته الفلاح.

[۳] الرازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب. (ب ت). *اصول کافی* (جلد ۱). (سید جواد. مصطفوی, مترجم) تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل‌بیت.

[۴] الشحود، علی بن نایف. (۲۰۰۹). *الخلاصه فی حقوق المعلم و واجباته*. مالیزیا: دار المعمور.

[۵] الطوسی، محمد بن حسن. (۱۹۵۹). *تهذیب الاحکام*. نجف الاشرف.

[۶] العاملی، عبد الصاحب الحسینی. (۱۹۶۹). *الاخلاق عند الرسول و اصحابه*. بیروت: موسسه العلمی.

[۷] العسکری، ابو هلال الحسن بن عبدالله. (۱۹۸۶م). *الحث علی طلب العلم وجمعه*. بیروت: المکتب الاسلامی.

[۸] العینایی، محمد. (۱۳۸۰). *آداب النفس* (جلد ۲). تهران: المکتبه المرتضویه.

[۹] الغزالی, ابو حامد محمد. (۱۴۰۲هـ). *احیاء علوم الدین*. بیروت: دارالمعرفه.

[۱۰] القمی، محمد بن علی. (۱۹۶۳). *علل الشرایع*. نجف.

[۱۱] الکنانی، بدرالدین محمدابن ابراهیم. (ب ت). *تذکره السامع و المتکلم فی ادب العالم و المتعلم*.

[۱۲] المظفر، عبدالصاحب. (۱۹۶۹). *الاخلاق فی حدیث واحد* (جلد ۱). نجف: مطبعه نعمان.

[۱۳] الهاشمی، عابد توفیق. (۱۹۹۳م). *طرق تدریس الدین*. بیروت: موسسه الرساله.

[۱۴] ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی. (۱۹۷۵). *سنن الترمذی* (نسخه دوم, جلد ۴). مصر: شرکت و مطبعه البابی الحلبی.

[۱۵] شون التعلیمیة. (٢٠١٤, ١٢ ٦). منتديات ستار تايمز. بازیابی از https://www.startimes.com/f.aspx?t=٣٤٩٧٦٠٤٥.

[۱۶] حجتی، سید محمد باقر. (۱۳۶۷). *آداب تعلیم و تعلم دراسلام* (نسخه پانزدهم). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

[۱۷] حمیداتو، مصطفی محمد (۱۹۹۷م). *عبدالحمید بادیس و جهوده التربویه*. دوحه: منشورات وزارت الاوقاف القطریه.

[۱۸] شهری، محمد ری. (۱۳۷۹). *علم و حکمت در قرآن و حدیث* (نسخه اول). (ع. مسعودی, مترجم) قم: دار الحدیث.

[۱۹] صدوق، شیخ خصال. (۱۳۷۶). *خصال* (نسخه چهارم, جلد ۲). (آ. ا. ای, مترجم) تهران.

[۲۰] طوسی، خواجه‌نصیرالدین. (۱۴۱۶). *آداب المتعلمین*. شیراز: کتاب‌خانه مدرسه علمیه مام عصر.

[۲۱] عماد، صالح ابراهیم محمد. (۲۰۰۲). *حقوق المعلم و المتعلم فی التربیه الاسلامبه*. الامارات العربیه المتحده.

[۲۲] فتحی، یوسف مبارک. (ب ت). *الوسایل التعلیمیه*. قاهره: جامعه الازهر.

[۲۳] فرحان، اسحق احمد. (۱۹۸۲م). *التربیه الاسلامیه بین الاصاله و المعاصره*. عمان: دار الفرقان للنشر و التوزیع.

[۲۴] قمصیهٔ، مریانا. (۲۰۱۸, ۲۷march). *حقوق_المعلم_وواجباته*. بازیابی از www.Mawdoo٣com..

[۲۵] کاظم، محمد خیری (۱۹۸۲م). *الوسایل التعلیمیه والمنهج*. قاهره: دار النهضه العربیه.

[۲۶] نراقی، مولی مهدی. (۱۳۸۱). *علم اخلاق اسلامی*. تهران: حکمت.

[۲۷] نظام و جماعتی از علمای هند. (۱۹۹۱م). *الفتاوی الهندیه* (جلد ۵). دارالفکر.

[۲۸] نیشاپوری، مسلم بن حجاج. (ب ت). *صحیح مسلم* (جلد ۱). (م. ف. عبدالباقی, تدوین) بیروت: دار احیاء التراث العربی.

[۲۹]یونع، ایریل بولیاس جیمس (ب ت). *المعلم امهٔ واحد*. بیروت: دار الافاق الجدیده.

بیوگرافی مولف



پوهنـــدوی عبـــدالحلیم حکیمـــی فرزنـــد الحـــاج عبـــدالحکیم درجـــه تحصـــیل ماســـتر، ســـاحه تحقیـــق علـــوم اســـلامی و ثقافـــت اســـلامی اســـتاد دیپارتمنـــت ثقافـــت اســـلامی پوهنتـــون پولی‌تخنیک کابل